

آثار توزیعی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی بر بازنشستگان

دکتر مهنوش عبدالله میلانی



در مباحث اقتصادی، وظایف دولتها در سه زمینه مختلف تخصیص منابع، تثبیت و توزیع درآمد مورد نظر قرار می‌گیرد. در راستای انجام این وظایف است که دولتها در جوامع مختلف در امور متفاوتی دخالت دارند که میزان و گستردگی این امور با توجه به عملکرد و گستره فعالیت اقتصادی بخش خصوصی در این جوامع تعیین شده و مورد پذیرش اقتصادی قرار می‌گیرد. به همین علت پرداختن به اموری همچون حاکمیت، امنیت و همچنین رفاه اجتماعی برای دولتها مورد قبول خواهد بود. به آن بخش از فعالیتهای دولت که در جهت پیشبرد رفاه اجتماعی انجام می‌شود، "دولت رفاه"^۱ گفته می‌شود. با این تعریف دخالت دولت در اموری چون مسکن، بهداشت، آموزش و همچنین تأمین اجتماعی در قالب فعالیتهای دولت رفاه به عمل می‌آید. در زمینه تأمین اجتماعی سه راهبرد بیمه‌ای، حمایتی و امدادی مطرح است: در هر جامعه تکیه اصلی بر راهبرد بیمه‌ای است و دو راهبرد حمایتی و امدادی به صورت مکمل - در مواردی

1. David W. Pearce (General Editor) - Macmillan Dictionary of Modern Economics - Third Edition - Macmillan - 1989. P454.

که استراتژی بیمه‌ای مورد عمل قرار نگرفته یا عملکرد آن از کفایت لازم برخوردار نبوده است - مورد نظر خواهد بود.

راهبرد بیمه‌ای خود می‌تواند با استراتژی‌های متفاوتی مانند بیمه‌های اجتماعی^۱، مسئولیت کارفرما^۲ و صندوقهای احتیاط^۳ مطرح شود. در میان این سه استراتژی نیز بیمه‌های اجتماعی جایگاه خاصی داشته و به عنوان استراتژی و راهبرد عمده و اصلی در هر سیستم تأمین اجتماعی مورد توجه است. مسئولیت کارفرما و صندوقهای احتیاط هم به صورت مکمل در کنار بیمه‌های اجتماعی به اهداف مورد نظر در یک سیستم تأمین اجتماعی می‌پردازند. در راهبرد بیمه اجتماعی، اگرچه نوعی بیمه مطرح است تمامی محاسبات صرف بیمه‌ای در آن رعایت نمی‌شود، اما از افراد تحت پوشش در مقابل مخاطره (ریسک) حمایت می‌شود.

حال، در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا در کنار وجود شرکتها و مؤسسات بیمه فعال در بخش خصوصی، نیاز به بیمه اجتماعی مطرح می‌شود؟ به بیان دیگر اگر بخش خصوصی می‌تواند و مایل است در بخش بیمه‌ای فعالیت کند، چه لزومی برای برقراری بیمه‌های اجتماعی اجباری وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال دلایلی مطرح می‌شود که به اختصار به توضیح آنها می‌پردازیم.

بیمه اجتماعی و دلایل برقراری آن

یکی از دلایل اجباری بودن بیمه‌ها وجود مشکلی به نام "مخاطره (آسیب) اخلاقی"^۴ است، بدین معنا که برای یک فرد، غیر عقلایی و غیر اخلاقی خواهد بود که کاری را به عمد و تنها برای دریافت خسارت از شرکت بیمه انجام دهد. در بحث بیمه‌های اجتماعی، این مسئله به این ترتیب مطرح می‌شود که در صورت عدم وجود بیمه اجباری، برخی از افراد به سبب سوء مدیریت و عدم کفایت در اداره امور مالی و استفاده مؤثر از داراییهای خود در نهایت با فقر و ناداری مواجه شده و نیازمند مزایای مقابله با فقر عمومی می‌شوند، یک سیستم بیمه اجتماعی اجباری از این مشکلات جلوگیری می‌کند.^۵

1. Social Insurance

2. Employer Liability

3. Provident Funds

۴. این کلمه ترجمه Moral Hazard است که به طور لغوی خطر اخلاقی نامیده می‌شود. اما مفهوم لغوی آن رسان نیست.

5. C. Gillion; J. Turner; C. Bailey; D. Latulippe. Social Security Pensions (Development and Reform). International Labour Office. 2000. P56.

یکی دیگر از دلایل اجباری بودن بیمه‌های اجتماعی وجود مشکلی به نام "انتخاب نامطلوب"^۱ است. به اختصار، این مسئله به رابطه میان تعیین حق بیمه‌ها از سوی بیمه‌گر با احتمال وقوع حادثه اشاره می‌کند، بدین معنا که هرچه افرادی که به یک طرح بیمه‌ای می‌پیوندند از گروه‌های با ریسک بالاتر باشند، براساس محاسبات بیمه‌ای باید حق بیمه بیشتری بپردازند و این خود باعث کاهش تعداد کسانی می‌شود که می‌توانند، یا می‌خواهند به بیمه بپیوندند. به دنبال این مسئله، پوشش بیمه‌ای برای افراد (خصوصاً افراد کم درآمدتر) در جامعه کاهش خواهد یافت. در این شرایط بیمه اجتماعی مسئله را با اجبار به مشارکت تمامی افراد در تشکیل یک گروه بزرگ (افراد یک کشور) حل می‌کند.

مسئله دیگر در بحث نیاز به یک سیستم بیمه اجتماعی و اجباری بودن آن به "پدر سالاری"^۲ برمی‌گردد. به طور معمول، این اعتقاد وجود دارد که افراد به اندازه کافی دوراندیش نیستند که برای مصلحت خود به بیمه بپیوندند و بنابراین، دولت باید آنان را به این کار وادارد. به عنوان مثال، این باور معمول است که در صورت نبودن تأمین اجتماعی بسیاری از مردم که به اندازه لازم برای تأمین سطوح کافی مصرف دوران بازنشستگی خود دارای انباشته نمی‌کنند، بیمه اجتماعی اجباری می‌تواند به حل این مشکل بپردازد.

"صرفه‌جویی در هزینه‌های تصمیم‌گیری" یکی دیگر از دلایل قابل توجه در اجباری بودن بیمه اجتماعی است. بازارهای بیمه، مزایا و مستمریهای سالانه پیچیده بوده و با توجه به مسایل مورد بحث در این بازارها، نیازمند صرف زمان و تلاش کافی از سوی فرد برای انتخاب طرح بیمه‌ای^۳ مناسب است. در این حالت انتخاب برنامه مناسب برای تمامی افراد از سوی تصمیم‌گیران در امور عمومی، از هدر دادن منابع در تصمیم‌گیری تک‌تک افراد (زمان جهت محاسبات بیمه‌ای و در نظر گرفتن موارد مختلف منظور شده در طرح بیمه‌ای و...) جلوگیری می‌شود. از سوی دیگر، ارائه‌کنندگان خصوصی (شرکتهای مختلف) هم در صورت اجباری نبودن بیمه اجتماعی، ناچار به تبلیغ هستند که خود هزینه خواهد داشت و در عین حال این تبلیغات نیز گاه به نوعی اطلاعات اشتباهی در اختیار افراد قرار می‌دهد تا آنان را از توجه به رقبا منصرف کند که در هر صورت به هزینه‌های بیشتر در کل اقتصاد منجر می‌شود.

پرداختن به "توزیع درآمد" توسط بیمه اجتماعی اجباری ممکن می‌شود. در بیمه اجتماعی

1. Adverse Selection

2. Paternalism

3. Policy

مزایای پرداختی به طور عمده به پرداختهای پیشین فرد مرتبط می‌شود. در واقع، در برخی برنامه‌ها ارتباط بین مزایا و حق بیمه‌های پرداختی قبلی ضعیف است. در این جریان برخی از افراد در وضعیتی بهتر از حالت پیوستن به بیمه خصوصی قرار می‌گیرند و گروهی دیگر وضعیت بدتری نسبت به این حالت (بیمه خصوصی) را تجربه خواهند کرد. بنابراین، برنامه‌های بیمه اجتماعی نوعی برنامه توزیع درآمد به شمار می‌روند. این مطلب به درک اجباری بودن این استراتژی کمک می‌کند، چرا که در غیر این صورت کسانی که در این سیستم متضرر می‌شوند، خود این سیستم را انتخاب نمی‌کردند.

بنابراین، همان‌طور که اشاره شد، یکی از دلایل لزوم برقراری بیمه‌های اجتماعی اجباری بحث توزیع درآمد است. انتظار می‌رود این راهبرد بتواند در حفظ سطح درآمد افراد در مقاطع مختلف، یا به بیان دیگر، یکنواخت کردن درآمد در طی دوران زندگی افراد عمل کرده و از فقیر شدن افراد در برخی موارد - بدلیل کاهش یا از میان رفتن قدرت کار آنان - جلوگیری کند. به این ترتیب، این راهبرد باید بتواند از سقوط افراد در ورطه فقر جلوگیری کرده و از این طریق منجر به بهبود وضعیت توزیع درآمد در میان افراد جامعه شود.

بیمه‌های اجتماعی و آثار اقتصادی آن

همچنان که اشاره شد اصلی‌ترین و قابل‌اتکاترین راهبرد در یک سیستم تأمین اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی است. بیمه‌های اجتماعی که با هدف اصلی ایجاد یکنواختی در سطح درآمد افراد در دورانهای مختلف زندگی و جلوگیری از فقر آنان در دوران بازنشستگی، بازماندگی و ازکارافتادگی عمل می‌کند، آثار اقتصادی دیگری نیز به همراه دارد.

بررسی بیمه‌های اجتماعی با توجه به دو دسته آثار تخصیصی و توزیعی آن میسر می‌شود. در جنبه تخصیصی به آثار ناشی از عملکرد این راهبرد بر پس‌انداز و عرضه کار^۱ (به بیانی منابع سرمایه و کار در جامعه) پرداخته می‌شود و اثر این سیستم بر توزیع درآمدی هم در بررسی آثار توزیعی آن مورد نظر قرار می‌گیرد. بیمه اجتماعی می‌تواند با توجه به شرایط جامعه و سیستم بیمه موجب افزایش و یا کاهش عرضه کار شود. تأثیر این راهبرد بر پس‌انداز و به دنبال آن

۱. نک: مهنوش عبدالله میلانی، تأمین اجتماعی و آثار توزیعی آن بر اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، رساله دکتری، ۱۳۸۰، فصل سوم.

سرمایه گذاری نیز صد درصد نیست، یعنی بیمه‌های اجتماعی هم می‌تواند موجب افزایش و هم کاهش پس‌انداز افراد جامعه شود. این نتایج دوگانه در بعد تئوری، در بعد تجربی نیز در بین کشورهای مختلف دیده شده است.

در زمینه آثار توزیعی بیمه‌های اجتماعی نیز علاوه بر بررسی معیارهای توزیع درامدی از دیدگاه اقتصادی که به طور معمول مطرح است، و با توجه به ماهیت این استراتژی که پرداختها به و دریافتها از سیستم در زمانهای متفاوت صورت می‌گیرد، روشهای ویژه‌ای برای بررسی آثار توزیعی آن در ادبیات اقتصادی مطرح شده است که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

آثار توزیعی مورد پذیرش در بیمه‌های اجتماعی

یکی از اهداف مهم در برقراری بیمه‌های اجتماعی توزیع بهتر درآمد بین دوران اشتغال و بازنشستگی افراد (یکنواخت سازی درآمد در طی دوران زندگی) است که به این ترتیب توزیع مجدد برای از میان بردن فقر در بین افراد سالمند مطرح می‌شود. در بیمه اجتماعی افراد در طی دوران اشتغال و فعالیت نیاز به سیستم پرداخت حق بیمه دارند و خود در دوران پیری و ازکارافتادگی و همچنین بازماندگان آنان از مزایای این بیمه استفاده می‌کنند. به بیان دیگر در دوران اشتغال پیوستن به این سیستم برای فرد هزینه دربر داشته و در دوران دیگری از نظر زمان، منفعت حاصل از سیستم مطرح می‌شود. این مسئله در بررسی آثار توزیعی به این ترتیب مورد نظر قرار می‌گیرد. اگر از دیدگاه پرداخت افراد به سیستم نگاه کنیم، چون نرخ حق بیمه برای تمامی افراد یکسان است، این سیستم باید تأثیری بر توزیع درآمد نداشته یا، به بیان اقتصادی، تناسبی باشد. اما در عمل، با توجه به متغیرهایی همچون طول زمان پرداخت، طول زمان دریافت، تعداد افراد تحت تکفل و... اثر این سیستم بر توزیع درآمد قابل بررسی است.

به این ترتیب آثار توزیعی بیمه اجتماعی از دو بعد مورد توجه است:

۱. توزیع مجدد افقی^۱ یا توزیع بین نسلی^۲ که در این زمینه انتقال از هر نسل به نسل دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد و، به طور معمول، انتقال منابع از نسل جوان حاضر به نسل پیر صورت می‌گیرد. یعنی پرداختی سیستم به بازنشستگان دوره‌های قبل بهتر از دوره‌های جدید باشد.

۲. توزیع مجدد عمودی^۱ یا توزیع درون نسلی^۲ که در این حالت توزیع با انتقال درآمد از گروه‌های پردرآمدتر به افراد کم درآمدتر تحقق می‌یابد. در این ارتباط می‌توان از انتقال از گروه‌های خاص به سایر گروه‌ها مثل انتقال درآمد از سوی مردان به سوی زنان نیز نام برد. گاه با توجه به اهمیت موضوع، توزیع بین خانوارهای مختلف که تعداد آنان آور آنان بیش از یکی است، نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که به این ترتیب توزیع مجدد درآمد از سوی خانوارهایی که در آن مرد و زن شاغل هستند به سوی خانوارهایی که تنها یک نفر نان‌آور دارند صورت می‌گیرد. حتی می‌توان این تأثیرات درون نسلی را به سطح تحصیلات بین افراد در یک نسل نیز تعمیم داد و به بررسی آثار توزیع مجدد بین آنها پرداخت.

حال در این بررسیها به طور معمول پذیرفته شده است که در توزیع بین نسلی، توزیع درآمد از نسلهای بعدی به نسلهای قبل صورت پذیرد. این مسئله از دیدگاه تئوری انتخاب عمومی از دو جنبه مورد بحث است. از جنبه خودخواهانه چنین مطرح می‌شود که چون بازتستگی در انتظار تمامی افراد است، پس افراد جامعه در یک تصمیم عقلایی به این نحوه عملکرد رأی مثبت می‌دهند و این راهبرد رأی می‌آورد.^۳ از سوی دیگر چنانچه سالمندان را در جریان رشد اقتصادی جامعه مؤثر بدانیم، پس جامعه امروز به سطح رفاه بالاتری دست یافته است که ناشی از فعالیت سالمندان امروز در زمان اشتغال به کار آنان است. لذا پذیرفته شده است که نتیجه این عملکرد با پرداخت بیشتر به نسل گذشته جبران شود.

از دیدگاه خیرخواهانه نیز می‌توان به این ترتیب تحلیل کرد که افراد جامعه از توزیع درآمد مناسب‌تر در جامعه مطلوبیت بیشتری به دست می‌آورند، یا به عبارت دیگر با بیمه اجتماعی - که این امکان را برای سالمندان فراهم می‌کند - موافقت کرده و از این طریق مطلوبیت خود را افزایش می‌دهند. این نظر به این باور برمی‌گردد که افراد و رفاه آنان به هم مرتبط و وابسته‌اند.^۴ حال معیارهای توزیع درآمد ناشی از بیمه‌های اجتماعی در مدل‌های دوران زندگی صورت

1. Vertical Redistribution

2. Intragenerational Distribution

3. Casey B. Mulligan & Xavier Sala - Martin. Social Security In Theory and Practice (I). National Bureau of Economic Research. 1999. P23-34.

4. Nicholas Barr. The Economics of the Welfare State (third edition). Oxford University Press. 1998. ch 4.

می‌گیرد که «فلدشتاین»^۱ در مقاله خود با وارد کردن «ثروت تأمین اجتماعی» (که به آن ارزش حال منفعت ناشی از سیستم بیمه اجتماعی نیز گفته می‌شود) به تابع مصرف، این متغیر و تغییرات آن را معیاری برای ارزیابیهای بعدی در ارتباط با سیستم تأمین اجتماعی قرار داد. به این ترتیب، باید ارزش حال کلیه پرداختهای فرد به بیمه اجتماعی در دوران اشتغال محاسبه شود. از طرف دیگر نیز ارزش حال کلیه دریافتهای فرد یا بازمانده فرد از سیستم در نظر گرفته شود و تفاوت این دو تحت عنوان ارزش حال انتظاری انتقال ناشی از سیستم یا ثروت خالص تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. روابط زیر برای محاسبه انتقال ناشی از سیستم مورد نظر به کار می‌رود: ارزش حال منفعت ناشی از سیستم (مستمری‌های دریافتی در آینده):

$$PVB = \sum_{t=65}^m P_o (1+i)^{-(t-64)} P_s t_e \quad (1)$$

ارزش حال هزینه (حق بیمه‌های پرداختی):

$$PVC = \sum_{t=e}^{64} W_t^{96} t_c (1+i)^{-(t-64)} P_s t_e \quad (2)$$

ارزش حال خالص انتقال ناشی از سیستم بیمه اجتماعی:

$$PVT = PVB - PVC \quad (3)$$

که به این ترتیب مقایسه این ارزش حال خالص در بین افراد رده‌های مختلف سنی و درآمدی می‌تواند وضعیت توزیعی حاصل از بیمه اجتماعی را مشخص کند.

معیار دیگر در این ارتباط نرخ بازده داخلی است. این معیار ارزش حال منافع و هزینه‌های ناشی از سیستم را با هم برابر می‌کند. در صورت یکسان بودن این نرخ برای تمامی افراد، بیمه اجتماعی تأثیری بر توزیع درآمد ندارد. اما چنانچه این نرخ، برای افراد کم درآمدتر، بالاتر از افراد پردرآمد باشد، بیمه اجتماعی توانسته است در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد، زیرا به افراد کم درآمدتر بازدهی بیشتری داده و به این ترتیب این افراد سود بیشتری از پیوستن به این سیستم برده‌اند.

برای محاسبه نرخ بازده داخلی، دو رابطه (۱) و (۲) را با هم برابر قرار می‌دهیم یعنی:

1. Martin, Feldstein. Social Security, Induced Retirement, and Aggregate Capital Accumulation. Journal of Political Economy. 1974. Vol 82. No 5.

$$\sum_{t=e}^{64} W_t^{96} tc_t (1+i)^{-(t-64)} Ps_{te} = \sum_{t=65}^m P_o (1+i)^{-(t-64)} Ps_{te} \quad (4)$$

که در روابط بالا پارامترها و متغیرها به صورت زیر تعریف می‌شوند:

t سن مشترک در سیستم

e سن ورود به بازار کار

W_t^{96} دستمزد سالانه مبنای پرداخت حق بیمه (به قیمت‌های ثابت مثلاً سال ۱۹۹۶)

tc_t نرخهای حق بیمه

P_o مستمری بازنشستگی اولیه (به قیمت‌های ثابت)

i نرخ تنزیل

m سن زمان مرگ با توجه به نرخهای مرگ و میر موجود

Ps_{te} احتمال زنده بودن با توجه به سن ورود به بازار کار

مطالعات تجربی در سایر کشورها

مطالعات تجربی در ارتباط با آثار تخصیصی (اثر بر عرضه کار و پس‌انداز) بیمه‌های اجتماعی بسیار گسترده‌تر از بررسی آثار توزیعی سیستم است. در این زمینه می‌توان به تحقیقات تجربی زیر که به بررسی آثار توزیعی از ابعاد مختلف پرداخته است، اشاره کرد.

«جوآن گیل» و «لویز کازانووا» (۱۹۹۸) با استفاده از معیارهایی که به آنها اشاره شد، نشان می‌دهند که توزیع درآمد بین نسلی در اسپانیا در نتیجه سیستم تأمین اجتماعی دولتی حاصل شده است و در توزیع درون‌نسلی توزیع به نفع درآمدهای بالاتر و متأهلین تحت پوشش بوده است. «بوسکین»، «کاتلیکوف»، «پوفرت» و «شاون» (۱۹۸۷) نیز در مقاله خود چنین عنوان می‌کنند که سیستم تأمین اجتماعی آمریکا باعث توزیع به نفع نسل‌های پیرتر در هر دوره شده است و در بین افراد دارای درآمدهای متفاوت نیز این طبقات کم درآمد بوده‌اند که بیشتر از سیستم منفعت کسب کرده‌اند. در این تحقیق نیز از معیارهای ارزش حال خالص ناشی از پیوستن به سیستم و نرخ بازده داخلی استفاده شده است.

«اوزاوا» و «کیم» (۱۹۸۹) پرداخت‌های متفاوت تأمین اجتماعی در آمریکا را با استفاده از ضریب جینی و تغییرات آن و همچنین تغییرات میزان درآمد افراد مختلف در نتیجه سیستم بررسی

کرده و به این نتیجه می‌رسند که این سیستم برای افراد بازنشسته حیاتی بوده و باعث برابری بیشتر در توزیع درآمد میان گروه‌های جمعیتی متفاوت و کل جمعیت مستمری‌بگیران شده‌است. "کورنادو و دیگران" (۱۹۹۹) در امریکا نشان می‌دهند که سیستم موجود تأمین اجتماعی تصاعدی بوده و موجب بهبود توزیع درآمد شده است. آنها به بررسی پیشنهاداتی برای تغییر سیستم موجود نیز پرداخته و در هر مورد با توجه به معیارهای تحقیق نتیجه می‌گیرند که تمامی راه‌حلها موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

"فلداشتاین و لیمن" (۲۰۰۰) نیز در جامعه آمریکا و با استفاده از معیارهای مورد اشاره، آثار توزیعی سیستم تأمین اجتماعی را که از دو منبع تأمین مالی شود (یکی روش پرداخت جاری و دیگری بر پایه سرمایه‌گذاری) بررسی کرده و اعلام می‌کنند که در این ارتباط سیستم ترکیبی، توزیع درآمد برای تمامی گروه‌های جامعه را بهبود می‌بخشد.

بررسی آثار توزیعی ناشی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی بر بازنشستگان
در کشور ایران نیز همچون سایر کشورها بیمه‌های اجتماعی برقرار است اما هنوز پوشش کامل جمعیتی برای این نوع بیمه تحقق نیافته است. سازمان تأمین اجتماعی بزرگترین سازمان بیمه‌ای کشور است که در این زمینه فعالیت می‌کند و حدود ۳۸ درصد از کل جمعیت کشور را تحت پوشش دارد. در میان افراد بیمه شده نیز بیشترین سهم را بیمه‌شدگان غیردولتی تشکیل می‌دهند که حدود ۸۵ درصد از کل بیمه‌شدگان هستند. سازمان بازنشستگی کشوری در زمینه بیمه اجتماعی شاغلین دولتی و همچنین صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح برای تحت پوشش قرار گرفتن افراد در بخش دولتی سهم بیشتری دارند.

برای بررسی آثار توزیعی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی، ابتدا با توجه به ضرورت برقراری بیمه‌های اجتماعی به بررسی رفع فقر یا حفظ سطح زندگی افراد مستمری‌بگیر این سیستم پرداخته شده است. با توجه به اینکه در ایران بیمه‌های اجتماعی در جامعه شهری برقرار بوده و پوشش بیمه اجتماعی در روستاها جدی نیست، به مقایسه پرداختهای مستمری به بازنشستگان در سطح حداقل با خط فقر شهری پرداخته‌ایم. در این مقایسه خط فقر و مفهوم فقر، به روش دکتر پژویان^۱ مد نظر بوده است. به این ترتیب خط فقر شهری سرانه سالانه به دست

۱. جمشید پژویان، گزارش فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۴۰.

آمده و با توجه به اینکه با بررسیهای انجام شده متوسط افراد در یک خانواده مستمری‌بگیر ۳ نفر است، این خط فقر برای ۳ نفر و به طور ماهانه تعیین شده است. مقایسه این هزینه برای یک خانوار ۳ نفره در ماه با آنچه که در سطح حداقل به یک خانواده مستمری‌بگیر پرداخت می‌شود نشان از عدم رفع فقر برای این گروه است. جدول ۱ نتایج این مقایسه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. مقایسه حداقل مستمری با خط فقر شهری					
سال	حداقل مستمری	خط فقر شهری سرانه سالانه	خط فقر شهری سرانه ماهانه	خط فقر براساس خانوار ۳ نفر	تفاوت مستمری و خط فقر
۱۳۶۲	۱۹۰۵۰	۱۲۵۷۰۳	۱۰۴۷۵	۳۱۴۲۶	-۱۲۳۷۶
۱۳۶۳	۱۹۰۵۰	۱۴۵۹۶۸	۱۲۱۶۴	۳۶۴۹۲	-۱۷۴۴۲
۱۳۶۴	۲۱۶۰۰	۱۵۳۷۵۶	۱۲۸۱۳	۳۸۴۳۹	-۱۶۸۳۹
۱۳۶۵	۲۱۶۰۰	۱۹۲۳۶۹	۱۶۰۳۱	۴۸۰۹۲	-۲۶۴۹۲
۱۳۶۶	۲۲۸۰۰	۱۸۴۱۸۱	۱۵۳۴۸	۴۶۰۴۵	-۲۳۲۴۵
۱۳۶۷	۲۴۹۰۰	۲۲۱۲۳۷	۱۸۴۳۶	۵۵۳۰۹	-۳۰۴۰۹
۱۳۶۸	۲۴۹۰۰	۲۵۱۳۰۶	۲۰۹۴۲	۶۲۸۲۷	-۳۷۹۲۷
۱۳۶۹	۳۰۰۰۰	۱۷۰۲۴۸	۱۴۱۸۷	۴۲۵۶۲	-۱۲۵۶۲
۱۳۷۰	۵۰۰۰۰	۱۹۱۷۵۹	۱۵۹۸۰	۴۷۹۴۰	۲۰۶۰
۱۳۷۱	۶۸۰۱۰	۲۸۰۸۲۱	۲۳۴۰۲	۷۰۲۰۵	-۲۱۹۵
۱۳۷۲	۸۹۸۲۰	۴۷۸۰۲۰	۳۹۸۳۵	۱۱۹۵۰۵	-۲۹۶۸۵
۱۳۷۳	۱۱۶۸۲۰	۵۰۹۶۲۱	۴۲۴۶۸	۱۲۷۴۰۵	-۱۰۵۸۵
۱۳۷۴	۱۵۹۹۹۰	۶۸۳۱۳۸	۵۶۹۲۸	۱۷۰۷۸۵	-۱۰۷۹۵
۱۳۷۵	۲۰۷۲۱۰	۱۰۱۲۰۶۷	۸۴۳۳۹	۲۵۳۰۱۷	-۴۵۸۰۷
۱۳۷۶	۲۵۴۴۶۰	۹۲۹۹۴۴	۷۷۴۹۵	۲۳۴۴۸۶	۲۱۹۷۴
۱۳۷۷	۳۰۱۵۳۰	۱۳۳۸۷۹۰	۱۱۱۵۶۶	۳۳۴۶۹۸	-۳۳۱۶۸

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، محاسبات تحقیق.

آثار توریعی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی

به دنبال این نتیجه به بررسی متوسط مستمری بازنشستگی پرداختی توسط سازمان پرداخته و با خط فقر شهری مقایسه شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که به طور متوسط پرداختهای مستمری سازمان در بیشتر سالها فاصله قابل توجهی از خط فقر نداشته، یا، به بیان دیگر، به طور متوسط پرداختهای مستمری این سازمان نتوانسته است مستمری بگیران را به طور جدی از فقر نجات دهد. نتایج این بررسی نیز در جدول ۲ دیده می شود:

جدول ۲. مقایسه متوسط مستمری بازنشستگی و خط فقر شهری (ریال ماهانه)						
سال	متوسط مستمری	خط فقر شهری سرانه سالانه	خط فقر شهری سرانه ماهانه	خط فقر براساس خانوار ۳ نفر	تفاوت متوسط مستمری و خط فقر	نسبت مستمری به خط فقر
۱۳۶۲	۴۷۰۰۰	۱۲۵۷۰۳	۱۰۴۷۵	۳۱۴۲۶	۱۵۵۷۴	۱/۵
۱۳۶۳	۴۰۰۰۰	۱۴۵۹۶۸	۱۲۱۶۴	۳۶۴۹۲	۳۵۰۸	۱/۱
۱۳۶۴	۴۰۰۰۰	۱۵۳۷۵۶	۱۲۸۱۳	۳۸۴۳۹	۱۵۶۱	۱/۰
۱۳۶۵	۴۹۰۰۰	۱۹۲۳۶۹	۱۶۰۳۱	۴۸۰۹۲	۹۰۸	۱/۰
۱۳۶۶	۴۸۰۰۰	۱۸۴۱۸۱	۱۵۳۴۸	۴۶۰۴۵	۱۹۵۵	۱/۰
۱۳۶۷	۶۲۰۰۰	۲۲۱۲۳۷	۱۸۴۳۶	۵۵۳۰۹	۶۶۹۱	۱/۱
۱۳۶۸	۷۷۰۰۰	۲۵۱۳۰۶	۲۰۹۴۲	۶۲۸۲۷	۱۴۱۷۴	۱/۲
۱۳۶۹	۸۱۰۰۰	۱۷۰۲۴۸	۱۴۱۸۷	۴۲۵۶۲	۳۸۴۳۸	۱/۹
۱۳۷۰	۸۲۰۰۰	۱۹۱۷۵۹	۱۵۹۸۰	۴۷۹۴۰	۳۴۰۶۰	۱/۷
۱۳۷۱	۱۲۰۰۰۰	۲۸۰۸۲۱	۲۳۴۰۲	۷۰۲۰۵	۴۹۷۹۵	۱/۷
۱۳۷۲	۱۵۰۰۰۰	۴۷۸۰۲۰	۳۹۸۳۵	۱۱۹۵۰۵	۳۰۴۹۵	۱/۳
۱۳۷۳	۱۷۰۰۰۰	۵۰۹۶۲۱	۴۲۴۶۸	۱۲۷۴۰۵	۴۲۵۹۵	۱/۳
۱۳۷۴	۲۰۰۰۰۰	۶۸۳۱۳۸	۵۶۹۲۸	۱۷۰۷۸۵	۲۹۲۱۶	۱/۲
۱۳۷۵	۲۵۰۰۰۰	۱۰۱۲۰۶۷	۸۴۳۳۹	۲۵۳۰۱۷	-۳۰۱۷	۱/۰
۱۳۷۶	۳۱۰۰۰۰	۹۲۹۹۴۴	۷۷۴۹۵	۲۳۲۴۸۶	۷۷۵۱۴	۱/۳
۱۳۷۷	۳۹۰۰۰۰	۱۳۳۸۷۹۰	۱۱۱۵۶۶	۳۳۴۶۹۸	۵۵۳۰۳	۱/۲

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، محاسبات تحقیق.

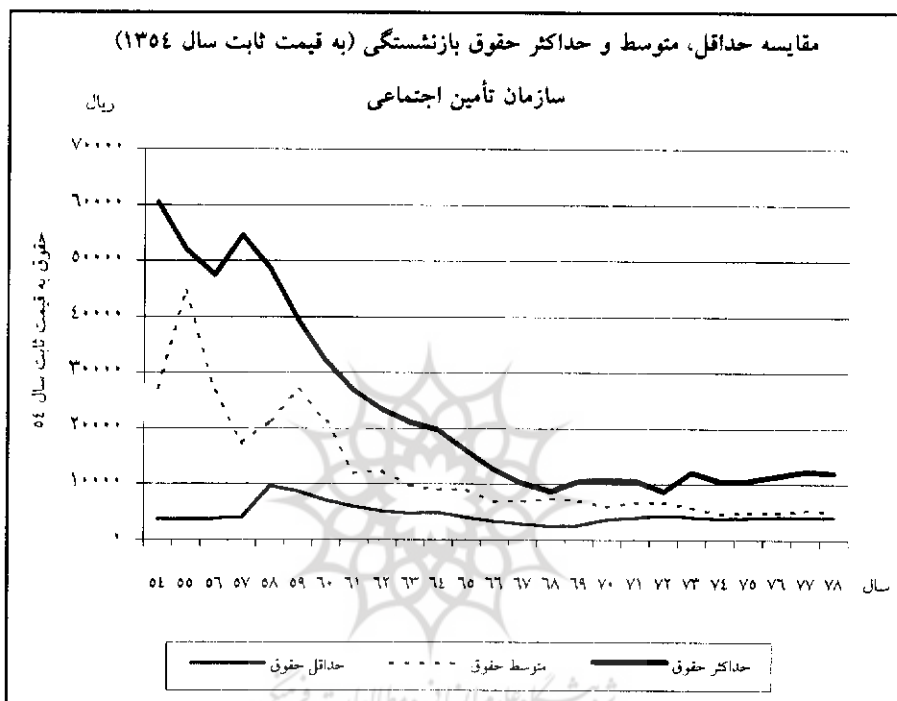
به منظور بررسی اینکه آیا پرداخت‌های سازمان توانسته است سطح زندگی افراد را طی سال‌ها حفظ کند، حداقل، متوسط و حداکثر میزان مستمریها به قیمت جاری و ثابت سال ۱۳۵۴ با هم مقایسه شده است. نتایج مذکور در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح زندگی مستمری‌بگیران در طی این سالها، با توجه به مستمری دریافتی بشدت تحت فشار بوده است. به بیان دیگر تعدیلات لازم با توجه به تورم موجود در سطح مستمریها صورت نگرفته است، لذا گرچه افزایش مستمریها به قیمت جاری را شاهد هستیم ولی این افزایش نتوانسته است سطح رفاهی این افراد را حتی در سطح متوسط حفظ کند.

جدول ۳. مستمری‌های حداقل، متوسط و حداکثر (جاری و ثابت)
ریال

سال	حداقل مستمری بازنشستگان	حداقل به قیمت سال ۵۲	متوسط مستمری بازنشستگان	متوسط به قیمت سال ۵۲	حداکثر مستمری بازنشستگان	حداکثر به قیمت سال ۵۲
۱۳۵۴	۳۶۰۰	۳۶۰۰	۲۷۱۷۸	۲۷۱۷۸	۶۰۴۱۰	۶۰۴۱۰
۱۳۵۵	۴۲۳۰	۳۶۴۹	۵۱۷۵۴	۴۴۶۵۱	۶۰۴۱۰	۵۲۱۱۸
۱۳۵۶	۵۴۰۰	۳۷۱۳	۳۸۶۸۲	۲۶۵۹۴	۶۹۰۴۰	۴۷۴۶۵
۱۳۵۷	۶۳۰۰	۳۹۸۸	۲۷۴۵۲	۱۷۳۸۰	۸۶۳۰۰	۵۴۶۳۶
۱۳۵۸	۱۷۰۱۰	۹۵۹۵	۳۷۷۶۸	۲۱۳۰۵	۸۶۳۰۰	۴۸۶۸۲
۱۳۵۹	۱۹۰۵۰	۸۶۸۶	۵۸۷۷۰	۲۶۷۹۷	۸۶۳۰۰	۳۹۳۴۹
۱۳۶۰	۱۹۰۵۰	۷۰۷۳	۵۷۲۴۲	۲۱۲۵۴	۸۶۳۰۰	۳۲۰۴۴
۱۳۶۱	۱۹۰۵۰	۵۹۲۴	۳۸۴۳۱	۱۱۹۵۰	۸۶۳۰۰	۲۶۸۳۵
۱۳۶۲	۱۹۰۵۰	۵۱۵۸	۴۶۱۶۸	۱۲۵۰۱	۸۶۳۰۰	۲۳۳۶۷
۱۳۶۳	۱۹۰۵۰	۴۶۷۰	۳۹۵۱۵	۹۶۸۶	۸۶۳۰۰	۲۱۱۵۴
۱۳۶۴	۲۱۶۰۰	۴۹۵۰	۳۹۲۶۹	۸۹۹۹	۸۶۳۰۰	۱۹۷۷۷
۱۳۶۵	۲۱۶۰۰	۴۰۰۲	۴۸۷۱۹	۹۰۲۶	۸۶۳۰۰	۱۵۹۸۸
۱۳۶۶	۲۲۸۰۰	۳۳۱۱	۴۷۲۴۹	۶۸۶۱	۸۶۳۰۰	۱۲۵۳۲
۱۳۶۷	۲۴۹۰۰	۲۸۰۲	۶۱۸۶۱	۶۹۶۱	۹۰۰۰۰	۱۰۱۲۸
۱۳۶۸	۲۴۹۰۰	۲۳۸۷	۷۶۸۱۳	۷۳۶۳	۹۰۰۰۰	۸۶۲۷
۱۳۶۹	۳۰۰۰۰	۲۶۴۰	۸۰۳۹۸	۷۰۷۵	۱۲۰۰۰۰	۱۰۵۶۰
۱۳۷۰	۵۰۰۰۰	۳۶۴۵	۸۱۶۹۰	۵۹۵۶	۱۴۷۰۰۰	۱۰۷۱۷
۱۳۷۱	۶۸۰۱۰	۳۹۸۷	۱۱۵۱۰۶	۶۷۴۸	۱۸۱۵۰۰	۱۰۶۴۱
۱۳۷۲	۸۹۸۲۰	۴۲۸۶	۱۴۲۱۵۸	۶۷۸۴	۱۸۱۵۰۰	۸۶۶۲
۱۳۷۳	۱۱۶۸۲۰	۴۱۲۴	۱۶۵۲۹۶	۵۸۳۵	۳۴۳۵۰	۱۲۰۹۰
۱۳۷۴	۱۵۹۹۹۰	۳۷۸۱	۱۹۷۱۸۷	۴۶۶۰	۴۴۵۹۳۳	۱۰۵۳۸
۱۳۷۵	۲۰۷۲۱۰	۳۹۷۴	۲۴۷۵۰۰	۴۷۴۷	۵۵۱۳۶۷	۱۰۵۷۵
۱۳۷۶	۲۵۴۴۶۰	۴۱۶۱	۳۰۱۲۱۹	۴۹۲۵	۶۹۶۸۰۰	۱۱۳۹۳
۱۳۷۷	۳۰۱۵۳۰	۴۱۰۹	۳۸۴۷۶۳	۵۲۴۳	۹۰۸۹۰۰	۱۲۳۸۵
۱۳۷۸	۳۶۱۸۳۰	۴۰۰۹	۴۶۲۸۲۸	۵۱۲۸	۱۰۸۱۰۰۰	۱۱۹۷۶

مأخذ: سازمان تامین اجتماعی، محاسبات تحقیق.

ارقام جدول ۳ در نمودار مقایسه حداقل، متوسط و حداکثر حقوق بازنشستگی (به قیمت ثابت ارقام سال ۱۳۵۴) سازمان تأمین اجتماعی بهتر وضعیت را نشان می‌دهد.



اما در رابطه با وضعیت توزیعی، بررسی انجام شده^۱ در این زمینه با استفاده از آمار بودجه خانوار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که وضعیت توزیعی در بین بازنشستگان به زیان افراد کم درآمدتر تغییر کرده است. با توجه به مباحث تئوریک مورد اشاره در بخشهای قبل و با توجه به معیارهای مورد نظر، به بررسی آثار توزیعی درون نسلی و بین نسلی می‌پردازیم. به

۱. مهنوش عبدالله میلانی. "بررسی توزیع درآمد بازنشستگان (براساس آمار بودجه خانوار)". فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران. مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹، صص ۷۹-۱۰۰.

این منظور با استفاده از روابط ۱ تا ۴ ارزش حال حق بیمه پرداختی، مستمری دریافتی و همچنین ارزش حال خالص انتقال ناشی از پیوستن به این سیستم محاسبه شده است. نرخ بازده داخلی نیز برای افراد تحت پوشش مورد بررسی قرار گرفته است.

در این محاسبات حداقل دستمزد، متوسط دستمزد مشمول حق بیمه در این سازمان و همچنین حداکثر دستمزد مشمول پرداخت حق بیمه مدنظر بوده است. برای هر گروه و در فواصل پنج سال به عنوان نسلهای مختلف در این سیستم، ارزش حال محاسبه شده است. به این ترتیب که به عنوان مثال فردی که در سال ۱۳۳۷ به سیستم پیوسته است، ارزش حال کلیه پرداختهای آتی وی و همچنین دریافتهای وی در سالهای آتی برای سال شروع به کار او (یعنی ۱۳۳۷) محاسبه شده است.

با توجه به محاسبات سازمان و اطلاعات موجود، متوسط سالهای پرداخت حق بیمه ۱۶ سال و ۲۱ سال اعلام شده بود و در مورد دریافتها نیز - مجموع سالهای دریافت مستمری از سازمان با توجه به سالهای دریافت مستمری توسط بازماندگان، ۲۰ سال در نظر گرفته شد. به این ترتیب دو سناریو مورد بررسی قرار گرفته است. از سمت دریافتهای افراد نیز حداقل مستمری برای افراد صاحب حداقل دستمزد، متوسط مستمری برای افراد دارای متوسط دستمزد و حداکثر مستمری نیز برای افراد دارای بالاترین سطح دستمزد مشمول حق بیمه در محاسبات وارد شده است.

به عنوان مثال برای فردی که در سال ۱۳۵۲ به بیمه پیوسته است، به طور متوسط تا سال ۱۳۷۲ پرداخت حق بیمه و پس از آن تا ۲۰ سال دریافت مستمری توسط فرد بازنشسته و بازماندگان مطرح خواهد بود.

به این ترتیب آثار توزیعی ناشی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی در چهار سناریوی مختلف بررسی شده است (دو سناریو با ۱۶ و ۲۰ سال پرداخت حق بیمه و دو سناریو نیز با در نظر گرفتن دو نرخ رشد متفاوت برای دستمزدها و مستمریها در سالهای خارج از جدول که به سالهای دریافت مستمری افراد بر می‌گردد) که برای جدول ۴، پانزده سری محاسبات مختلف صورت گرفته است. از آنجا که نتایج محاسبات همگی تحلیل مشابه داشته‌اند تنها یک سری از نتایج در جدول ۴ آورده شده است:

جدول ۴. برآورد منافع و هزینه‌های افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی
(۲۰ سال پرداخت و ۲۰ سال دریافت)

(ریال - درصد)

سال	حداقل	متوسط	حداکثر
۱۳۳۷	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۹۶۹۷	-۱۹۴۹۴
	ارزش حال مستمری دریافتی	۱۱۵۳۲	۹۶۹۹۷
	ارزش حال خالص انتقال	۱۸۳۵	۸۷۲۸
	نرخ بازده داخلی	%۱۹/۷	%۲۲
۱۳۴۲	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۱۷۴۲۵	-۳۴۲۵۸
	ارزش حال مستمری دریافتی	۸۱۴۹	۴۶۲۲۷
	ارزش حال خالص انتقال	-۹۲۷۶	-۱۳۴۵۷
	نرخ بازده داخلی	%۱۳/۱	%۱۵
۱۳۴۷	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۲۶۸۶۵	-۴۹۸۰۵
	ارزش حال مستمری دریافتی	۶۸۸۴	۱۲۵۵۶
	ارزش حال خالص انتقال	-۱۹۹۸۱	-۳۷۲۴۹
	نرخ بازده داخلی	%۹/۸	%۹
۱۳۵۲	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۴۲۶۰۳	-۷۶۵۹۷
	ارزش حال مستمری دریافتی	۸۲۸۹	۹۹۸۶
	ارزش حال خالص انتقال	-۳۴۳۱۴	-۶۶۶۱۱
	نرخ بازده داخلی	%۸/۸	%۶
۱۳۵۷	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۶۱۸۷۷	-۱۱۱۱۷۰
	ارزش حال مستمری دریافتی	۸۵۳۲	۱۰۲۱۳
	ارزش حال خالص انتقال	-۵۳۳۴۵	-۱۰۰۹۵۷
	نرخ بازده داخلی	%۸	%۶

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، آمار و اطلاعات سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

آنچه مقایسه ارقام جدول ۴ نشان می‌دهد آن است که توزیع بین نسلی در عملکرد سازمان تأمین اجتماعی همچنان که انتظار می‌رفت، به نفع سالمندان هر دوره است، به این معنا که نرخ بازدهی سالمندان هر دوره نسبت به سالمندان نسل قبل (۵ سال قبل) کمتر شده است، و این رابطه در تمامی گروههای درآمدی قابل ملاحظه است.

از سوی دیگر در توزیع درون نسلی نیز ملاحظه می‌شود که این سیستم به صورت تصاعدی عمل کرده و منافع بیشتر این سیستم برای گروههای کم درآمدتر مطرح بوده است (در بررسی سطری ارقام جدول ۴). به بیان دیگر افراد کم درآمدتر نرخ بازدهی بیشتری از پیوستن به سازمان را تجربه کرده‌اند و به این ترتیب، سیستم در جهت بهبود توزیع درآمد در بین بازنشستگان عمل کرده است.

اما این مسئله با نتایج تحقیق قبلی در این ارتباط تفاوت دارد. به همین منظور و ضمن بررسی سیستم، ملاحظه شد که با توجه به سهم بالای بیمه‌شدگان غیردولتی در این سازمان و همچنین نحوه محاسبه مستمری - که در آن تنها دو سال پایانی پرداخت حق بیمه به عنوان متوسط دستمزد فرد بیمه‌شده در فرمول تعیین مستمری وارد می‌شود - امکان اعلام غیرواقعی دستمزد (فرار از پرداخت حق بیمه واقعی) از سوی بیمه‌شدگان و کارفرمایان آنان وجود دارد. به همین منظور تعدیلاتی در محاسبات ایجاد شده است تا واقعیت عملکردی را نشان دهد. در این ارتباط امکان اعلام حداقل دستمزد برای تمامی افراد وجود داشت، اما برای اینکه زیاده‌گویی صورت نگرفته باشد فروض زیر در مد نظر قرار گرفته است:

افراد با حداکثر دستمزد، به طور غیرواقعی دستمزد متوسط را برای خود اعلام کرده و حق بیمه آن را پرداخت کنند و افراد با متوسط دستمزد، دستمزد غیرواقعی حداقل و به دنبال آن حق بیمه حداقل را پرداخت کنند. از سوی دیگر در سالهای پرداخت حق بیمه نیز حد افراطی ۲ سال (۱۸ سال پرداخت غیرواقعی در ۲۰ سال سابقه) در نظر گرفته نشده و چنین فرض شده است که از ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه تنها ۱۵ سال اعلام غیرواقعی دستمزد و ۵ سال اعلام واقعی دستمزد صورت گیرد. با این فروض محاسبات تکرار شده است که نتایج در جدول ۵ ملاحظه می‌شود:

جدول ۵. برآورد منافع و هزینه‌های افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی

(۲۰ سال پرداخت و ۲۰ سال دریافت) - با امکان اعلام غیرواقعی دستمزد

(ریال - درصد)

سال	حداقل	متوسط	حداکثر
۱۳۴۲	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۱۷۴۲۵	۵۷۵۰۴
	ارزش حال مستمری دریافتی	۸۱۵۹	۵۲۱۹۰
	ارزش حال خالص انتقال	-۹۲۶۶	-۵۳۱۴
	نرخ بازده داخلی	%۱۳/۱	%۲۰
۱۳۴۷	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۲۶۸۶۵	-۳۴۸۵۸
	ارزش حال مستمری دریافتی	۷۰۲۱	۱۹۶۷۸
	ارزش حال خالص انتقال	-۱۹۸۲۴	-۱۵۱۸۰
	نرخ بازده داخلی	%۱۰/۱	%۱۳
۱۳۵۲	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۴۲۶۰۳	-۸۰۱۰۹
	ارزش حال مستمری دریافتی	۸۹۷۳	۱۸۷۷۳
	ارزش حال خالص انتقال	-۳۳۶۳۰	-۶۱۳۳۶
	نرخ بازده داخلی	%۹/۷	%۹
۱۳۵۷	ارزش حال حق بیمه پرداختی	-۶۱۸۷۷	-۱۱۴۴۲۵
	ارزش حال مستمری دریافتی	۱۰۶۹۶	۲۱۵۱۲
	ارزش حال خالص انتقال	-۵۱۱۸۱	-۹۲۹۱۳
	نرخ بازده داخلی	%۹/۷	%۹

مأخذ: سازمان تأمین اجتماعی، آمار و اطلاعات سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

این نحوه عمل افراد بیمه شده باعث تغییر در توزیع بین نسلی نشده و هنوز توزیع به نفع سالمندان هر دوره (همچنان که مورد انتظار است) در آن مشهود است که در بررسی ستونی ارقام جدول ملاحظه می‌شود. اما این امکان فرار از پرداخت حق بیمه واقعی و دریافت مستمری براساس دستمزد اعلام شده واقعی در سالهای آخر اشتغال بر توزیع درون نسلی اثر نامناسب دارد، به این ترتیب که دیگر سیستم نمی‌تواند به نفع طبقات درآمدی پایین‌تر عمل کند.

نتایج حاصل از این محاسبات نشان می‌دهد که در کنار عدم تعدیل مستمریها، با توجه به نرخ تورم در سالهای گذشته و کاهش ارزش واقعی مستمریها، وجود این امکان برای افراد باعث شده است تا این مسئله در بخش غیردولتی ممکن شود و افراد از پرداخت حق بیمه واقعی خود سر باز زنند ولی به هنگام دریافت مستمری بیش از آنچه در سیستم مشارکت کرده‌اند، دریافت کنند. این امکان نیز تنها برای افراد دارای دستمزدهای بالاتر فراهم بوده است که به صورت عقلایی از قانون موجود استفاده کرده و به این ترتیب نفع بیشتری از سیستم عاید آنها شود؛ به بیانی دیگر، عملکرد سازمان باعث بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد در بین بازنشستگان سازمان می‌شود.

از سوی دیگر، عدم تحقق درآمدهای بالقوه سازمان از این طریق به تضعیف بنیه مالی سازمان منجر شده است که خود یکی از دلایل عدم تعدیل مناسب مستمریها به شمار می‌رود. به این ترتیب، این امر خود در یک جریان چرخشی به تمایل بیشتر افراد برای اعلام غیرواقعی دستمزد و پس‌اندازهای شخصی افراد برای حفظ سطح زندگی به صورت خصوصی منجر خواهد شد. بنابراین، به نظر می‌رسد باید با راهکارهای کوتاه مدت و تعیین جرایم مناسب احتمال این عمل را از سوی بیمه شدگان کاهش داده و در یک راهکار بلند مدت و با تغییر قانون محاسبات مستمریها، طول مدت بیشتری از سابقه کار (نهایتاً کل دوره اشتغال) مد نظر قرار گیرد.